

## اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگری گرامی باد

هسته اقلیت

چهارم اردیبهشت ماه هشتاد و هفت

سالهاست که اول ماه مه بزرگ داشته می شود و باید همچنان بزرگ داشته شود. اما کارگران از خود می پرسند: آیا پیمانہ رنج و جانفشانی و زحمت های ما را سرانجامی نیست؟ چه باید می کرده ایم که نکرده ایم؟ چرا پیروزمی شویم؟ دلداری و شفقت و حماسه سرایی های بی خاصیت ارزانی شما و کارگزارانتان باد، شکم کودکان ما با اراجیف سیرنمی شود. ماکارمی خواهیم، رفاه می خواهیم آزادی می خواهیم. ما آنچه شما دارید برای همه می خواهیم! اما چرا پیروز نمی شویم؟ برای جاروب کردن بربریت سرمایه چه باید بکنیم؟ این ها هستند پرسش های اول ماه مه.

شیوه های سرمایه داری برای سرکوب جنبش کارگری علیرغم همه تنوعاتش تاکنون در چند اصل خلاصه میشود.

۱- استفاده از نیروی نظامی و پلیس و زندان. ۲- جلوگیری از شکل گیری تشکل هایی متناسب با نیاز زندگی کارگری و ایجاد یا تبدیل تشکل های کارگری به تشکلی سرمایه محور که مطالبات خود را به تناسب سود سرمایه یا امکانات سرمایه گره بزنند. ۳- ساختن ذهنیت و افکار سرمایه دارانه و اشاعه آن در جنبش کارگری، توسط اتاق های فکر سازی و رسانه های «عمومی». از آنجا که هیچیک از این روش ها نمی توانند نیازهای ما دی و معنوی زندگی کارگری را از میان بردارند، نیازهای این زندگی بطور مداوم اعتراض تولید می کنند. با افت و خیز های متفاوت اما این اعتراضات سر خاموشی ندارند. سرمایه متناسب با اوضاع، یکی از چاره جوئی هایش یا همزمان همه را باهم بکار می گیرد تا اعتراض را از میانه بردارد. سرمایه کنونی که با خصلت های هر چه جهانی تر شدن و نئو لیبرالیسم شناخته می شود، بیش از همیشه نیازمند، کار ارزان و کارگر خاموش است. یعنی سرمایه از این طریق بطور عمده رقابت و کسب ارزش اضافی را سازمان می دهد.

در چنین شرایطی نه تنها نیاز زندگی کارگری محلی از اعراب ندارد بلکه حمله به حداقل معاش برای زنده ماندن نیز وسعتی بیسابقه یافته است. گرسنگی، بیکاری، کودکان خیابانی، کارهای پاره وقت و.... زندگی کارگری را هر چه بی ثبات تر و غیر قابل تحمل تر کرده است. حمله به دستاوردهای تا کنونی و رفاه نسبی در کشور های اصطلاحاً پیشرفته تر نیز در همین راستای نیاز سرمایه هاست. در مقابل این نیاز سیری ناپذیر و علیرغم شورش های محتمل اما خروج جنبش کارگری در سطح جهان با موانع بسیاری روبروست. از هم امروز افکار طبقه حاکم و حجم عظیمی از تبلیغات جنگ سردی علیه سوسیالیسم و عملکرد «سوسیالیسم واقعا موجود» و نگاه سرمایه محور به تشکل کارگری، تسلط بینش های ارتجاعی مذهبی - ناسیونالیستی و... موانع بزرگی بر سر راه این عروج و راه یافتن آن به نتایج دگرگون کننده هستند. تشکل های سرمایه محور کنونی آمادگی این عروج را ندارند و برای اعتراض کارگری ساخته نشده اند. از این رو چشم انداز ها و موانع، هرچه بیشتر تشکل یابی کارگران، حول زندگی و منفعت کارگری را در دستور قرار می دهد. اگر طبقه کارگر نتواند در محیط کار و زیست خود تشکل های مستقل خود را تشکیل دهد

و خواسته های روشن خود را برجسته کند درشورش کورگرسنگان خلاصه خواهد شد و به دنبالچه تمایلات بخش هایی از طبقه حاکم تبدیل می شود. حضور کارگران درشورش های اخیر بر این نیاز صحنه می گذارد.

در ایران طی سال گذشته جنگ کارگران با حکومت برای ایجاد تشکل ادامه داشت. ابعاد تشکل کارگری در نقد اتحادیه های مسلط موجود و سرمایه فی الحال برای فعالین کارگری هر روز روشن تر شد. تشکل های خود سامان و خودگردان حول منفعت کارگری در دستور روز قرار گرفت. تشکل هایی که مبنای حرکتشان نیاز های زندگی کارگری و نه سودآوری سرمایه هاست. علیرغم این ضرورت، اگر چه حلقه اصلی در مبارزات کنونی ایجاد تشکل توده ایست اما از یکسو رژیم سرمایه داری مذهبی ایران با سرکوب و وحشیانه و از سوی دیگر عدم تمرکز فعالین جنبش کارگری بر این حلقه اصلی، موانع پاسخ به این ضرورت هستند. فقط همکاری وسیع فعالین کارگری حول این محور می تواند موانع موجود را درنوردد. این همکاری اما هنوز در اشکال ابتدایی خود قرار دارد. این درحالیست که بستر همکاری یعنی حرکت های خود بخودی و اعتراضات کارگری وسعت گرفته است.

نتایج تبعی مبارزات کارگری که دفاع از حق تشکل و آزادیهای اجتماعی است، بخش هایی از جنبش های دیگر مثل زنان و دانشجویان را به طبقه کارگر متمایل نموده. و خط فاصل طبقات در این جنبشها آشکارتر شده است.

نقش چشمگیر زنان در تحولات ایران از دید هیچ طبقه ای پوشیده نیست. تلاش سرمایه داران که در جنبش کارگری ایجاد تشکل های وابسته به منافع جناحهای مختلف سرمایه و رژیم اسلامی است در جنبش زنان به شکل مدارا با رژیم و دین دولتی و حتی حجاب اجباری و نفس مناسبات حاکم تجلی یافته است.

زنان کارگر که بخش بزرگی از طبقه کارگر ایران را تشکیل میدهند یقیناً به مسئله زنان از دید کارگری خویش پرداخته و پیوند مسئله زنان را با مسئله کارگران عینیت می بخشند. افزایش دم افزون تعداد زنان در طبقه کارگران نقش را در سطح جهانی برجسته تر کرده است. ایجاد تشکل های مستقل زنان در پیوند با جنبش کارگری مدتهاست به آرامی پروسه تحقق خود را طی می کند.

در آستانه اول ماه مه باید آرزو نمود و برای این آرزو جنگید که تا مه دیگر کارگران ایران در تشکل های خود سامان و خودگردان و علیه سرمایه متشکل شوند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**کار - رفاه - آزادی جمهوری شورایی**

**زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران**

**هسته اقلیت مه ۲۰۰۸**